راوی قصه‌ها از دل غصه‌ها

به یاد کامبوزیا پرتوی، نویسنده و کارگردانی که روز گذشته از میانمان رخت بربست. هفت صبح پرونده‌ای برای این فیلمساز خاطره‌ساز و همه‌فن‌حریف تدارک دیده است. راز موفقیت او چیست و چگونه توانست نام خود را جاودانه کند

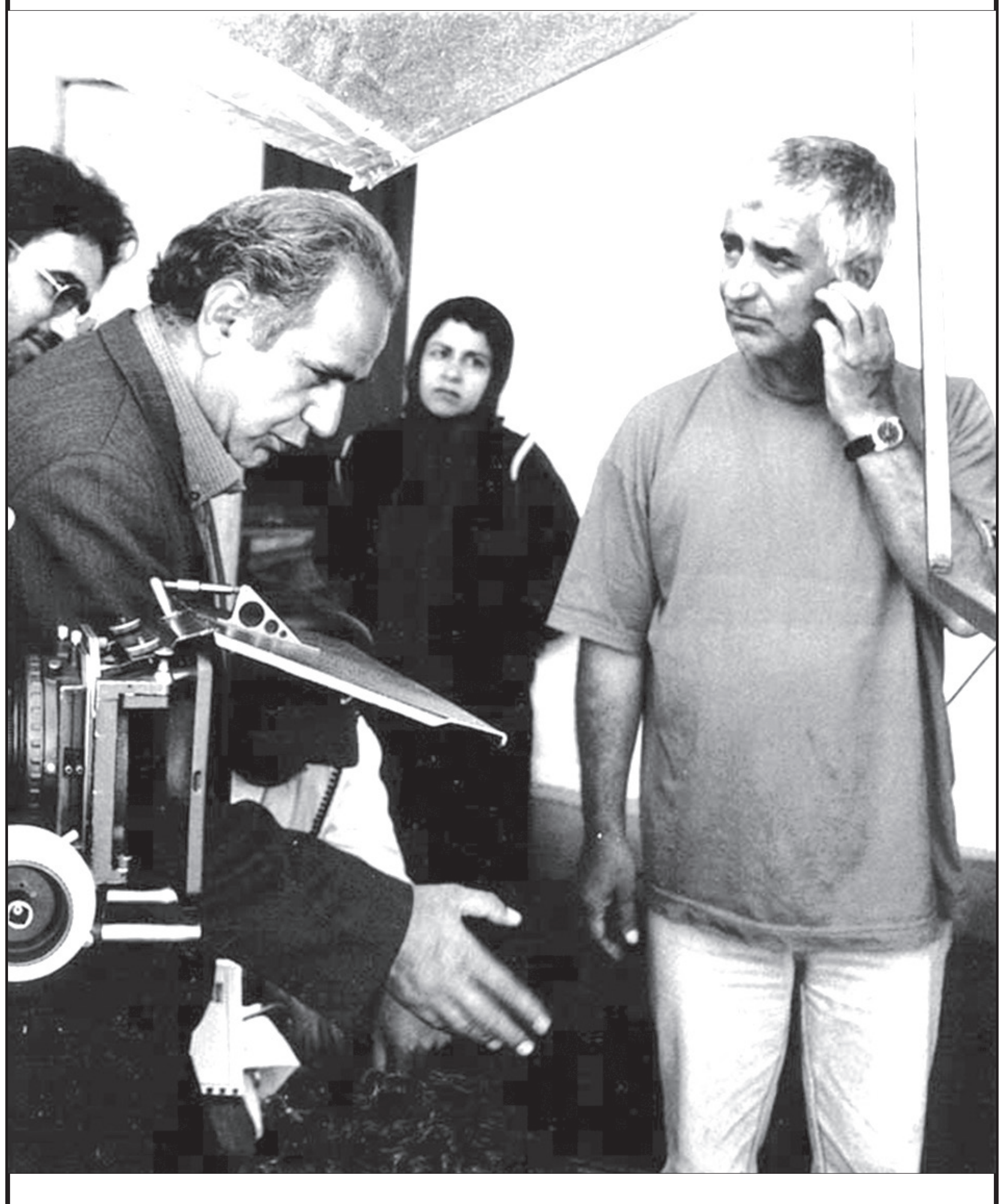
کامبوزیا پرتوی در پشت صحنه فیلم «کافه ترانزیت»

وحید سعیدی / احمد رنجبر
هفت صبح

مردی آرام، توانا و بی‌حاشیه. اینها توصیفات دقیقی برای معرفی کامبوزیا پرتوی نیست، اما می‌تواند معرف بخشی از شخصیت او باشد. نام پرتوی برای بچه‌های دهه ۶۰ یادآور فیلم‌های متفاوتی مثل گلنار و گربه آوازه‌خوان است. اسم او با فیلم‌های موفق زیاد دیگری هم پیوند خورده؛ چه آنها که پرتوی نویسنده‌شان است و چه آنها که خودش کارگردانی کرد. نکته بارز کارنامه او تنوعی است که در آن به چشم می‌خورد. پرتوی با ساخت فیلم کوتاه شروع کرد و بعد از آن جذب دنیای نویسندگی و کارگردانی فیلم‌های سینمایی شد. ابتدا سراغ کارهایی برای بچه‌ها رفت؛ آن هم در دورانی که هنوز کشور درگیر جنگ بود و بیم افسردگی کودکان می‌رفت. قلم پرتوی پر بود از امید؛ او از دل ناامیدی‌ها به مخاطبانش امید می‌داد. در فضای عبوس سینمای دهه ۶۰ گلنار پر بود از رنگ و موسیقی. پرتوی حتی وقتی به طور مستقیم سراغ فیلمی با تم جنگی رفت، بچه‌ها را قهرمان قرار داد و بازی بزرگان را با تاکید بر انسانیت ساخت. او همپای نیازهای جامعه پیش آمد. وقتی دید نوجوان‌ها با مسائل تازه‌ای مواجه شده‌اند، من ترانه ۱۵ سال دارم را نوشت. وقتی متوجه شد برخی جوان‌ها در بلندپروازی گرفتار بیراهه می‌شوند، سراغ نوشتن فیلمنامه فراری رفت… . کامیون آخرین فیلمی است که او ساخت و متاسفانه در زمان حیاتش روی پرده نرفت. این فیلم هم ریشه در تألم آدم‌ها دارد، اما حاصلش اثری سرخوش و امیدوارکننده است… پرتوی در سال‌های اخیر با بیماری دست‌وپنجه نرم می‌کرد و متاسفانه او را روز گذشته بر اثر کرونا از دست دادیم. به احترام سال‌ها فعالیت درخشان پرتوی در سینما، پرونده امروز هفت صبح به کارنامه او اختصاص دارد. روحش شاد.

یادنامه

یادگاری‌هایش نام او را زنده نگه خواهد داشت

واکنش سینماگران بعد از درگذشت کامبوزیا پرتوی که در قالب مصاحبه و پست اینستاگرامی به اشتراک گذاشته شد

مجید مجیدی	کارگردان	آثار ارزشمند او همیشه در سینمای ایران به یادگار خواهد ماند. امیدوارم کامبوزیای عزیز، برای سال‌هایی که به عشق پیامبر (ص) قلم زدی و مرا در ساخت فیلم «محمد رسول‌الله (ص)» یاری کردی، این خدمت به پیامبر مهربانی‌ها شفیع تو در آخرت باشد.
پرویز پرستویی	بازیگر	لعنت بر کرونا که دقیقه به دقیقه جان آدم‌ها را می‌گیرد. عجب رسمی‌یه رسم زمونه. میرن آدم‌ها از اونا فقط خاطره‌هاشون به‌جا می‌مونه. متاسفانه کامبوزیا پرتوی سناریونویس و کارگردان سینما هم دار فانی را وداع گفت. روحش شاد و یادش گرامی.
رسول صدرعاملی	کارگردان	کامبوزیا پرتوی در سینمای ایران یکه‌تاز بود. چه زمانی که می‌نوشت و چه زمانی که فیلم می‌ساخت؛ تمام فیلم‌هایش را با هدف روی پـرده می‌برد و هیچ‌گاه فیلمـی را باری به هر جهت و بی‌هدف نسـاخت و فیلمنامه‌ای را بی‌جهت ننوشت، چون پشت تمام کارهایش انگیزه‌های جدی‌ای خوابیده بود.
عبدالله اسکندری	طراح گریم	رفیق چه زود پرواز کردی.
شبنم مقدمی	بازیگر	روح و روان‌تان غرق نور و آرامش آقای پرتوی نازنین… جایتان بهشت خدا.
بهنوش طباطبایی	بازیگر	چندین‌بار در هفت‌سالگی برای تماشای فیلم گلنار به سینما فرهنگ در میدان یوسف‌آباد رفتم… حتما که فیلم گلنار بخش مهمی از پیوند روح من با سینما بود… بخش مهمی از یادگرفتن‌ها، بخش مهمی از عاشق‌شدن‌های من … عاشق قصه دیدن و قصه شنیدن…
مهتاب کرامتی	بازیگر	کرونا دوباره یکی از بهترین‌های سینما را از ما گرفت… جناب کامبوزیا پرتوی عزیز روحتان شاد… همیشه ممنون همراهی‌تان در یونیسف خواهیم بود.
طناز طباطبایی	بازیگر	خبری بسیار تلخ … روح‌تون شاد یادتون گرامی
غزل شاکری	بازیگر	خالق گلنار شما بودید و من گلنار شما و قصه‌مان آن‌قدر باورپذیر و دلنشین که حالا که رفته‌اید مردم مرا صاحب عزا می‌دانند، اما هنوز نه باور کرده‌ام نه گریه! می‌خوام مزه بودن شما را برای همیشه به کامم شیرین داشته باشم.
پوران درخشنده	کارگردان	انگار همین چند روز پیش بود که او را در مراسم بزرگداشتش در جشنواره فیلم کودک و نوجوان دیدیم. او پر از انرژی و عشق به زندگی بود و هیچ باورم نمی‌شود که در فاصله بسیار کوتاهی از دنیا رفته باشد.
فرهاد توحیدی	فیلمنامه‌نویس	در دوران دانشکده نمی‌شد به آسانی حدس زد که بعدا هر یک از بچه‌ها به کجا می‌رسند، ولی در مورد افرادی مانند کامبوزیا می‌توانستی حدس بزنی نویسنده خوش‌آتیه‌ای کنارت رشد می‌کند.
تهمینه میلانی	کارگردان	تسلیت به خانواده محترم پرتوی، همکاران سینما و همه دوستداران سینما.

داستان‌هایی پرآب‌وتاب

بازخوانی کارنامه کامبوزیا پرتوی که هم سرشار از فیلم‌های موفق است و هم فیلمنامه‌های جذاب و شاخص زیادی در آن دیده می‌شود. ویژگی‌های هر کدام چیست و راز موفقیتشان کدام است

کارگردانی هشت فیلم حاصل حضور ۳۳ ساله کامبوزیا پرتوی در سـینمای حرفه‌ای است. درباره پنج فیلم او به تفصیل نوشته‌ایم، اما ماهی، ننه‌لالا و فرزندانش و افسانه دو خواهر را فراموش نمی‌کنیم. این فیلم‌ها حاصل دورانی است که پرتوی دغدغه کودکان و نوجوانان را داشت. او ۱۴فیلمنامه برای دیگران نوشته که درباره پنج مورد شاخص‌تر آنها نوشته‌ایم. دایره، قطعه ناتمام، علی و دنی، ایستگاه متروک، هر شب تنهایی و … دیگر فیلمنامه‌های موفق اوست. شیرک هم هسـت؛ دومین فیلمنامه بلند پرتوی و اولین متنی که کارگردانی دیگر (داریوش مهرجویی) آن را ساخته. فیلم داستان چند نوجوان است که محل سکونت آنها مورد حمله گرازها قرار گرفته. فیلم شیرک داستانی سرگرم‌کننده دارد؛ درعین‌حال هدف غایی آن تهییج نوجوان‌ها و جوان‌هاست که در محیطی کوچک زندگی می‌کنند. فیلم بر اصالت وجودی آنها صحه می‌گذارد و تاکید می‌کند اگر به نوجوان‌ها بها داده شود، آنها می‌توانند اتفاق‌های مهمی رقم بزنند.

فیلم‌های موفق

گلنار | ۱۳۶۷

موضوع کلی گلنار فیلمی برای کودکان و نوجوانان است.

فضای فیلم کامبوزیا پرتوی گلنار را بعد از ماهی سـاخت. این‌بار هم او دسـت روی داستانی جذاب گذاشت و با نگاهی به قصه «دختر گیسوطلا و سه خرس» آن را روایت کرد. گلنار داستان دختر کی به همین نام است که پیش پدر و مادرش زندگی می‌کند. روزی باد دستمالش را می‌برد و او در جنگل با حیوانات مواجه می‌شود.

نوع پرداخت در فضای دوران جنگ، کامبوزیا پرتوی می‌دانسـت باید قصه‌های امیدوارکننده تحویل بچه‌ها دهد. ظاهر داستان و موقعیت شخصیت اصلی که مادرش را از دست داده، غمبار است، اما فضای فیلم سرشار است از رنگ و موسیقی شـاد. فیلم گلنار در کنار تلفیق جذاب دنیای عروسک‌ها و انسان‌ها، مسائل آموزشی و اخلاقی را در دل قصه خود داشت.

میزان موفقیت فیلم گلنار در زمان اکران با اسـتقبال مواجه شـد و همچنان یکی از آثار موفق و مهم سینمای کودک قلمداد می‌شود.

گربه آوازه‌خوان | ۱۳۶۹

موضوع کلی گربه آوازه‌خوان برای مخاطب کودک و نوجوان ساخته شد.

فضای فیلم این‌بار هـم کامبوزیا پرتـوی داسـتان کودکانـه‌اش را با تلفیـق شـخصیت‌های رئال و عروسـی روایت کـرد. در کنـار عروسـک‌ها، رضا بابـک، حمیـد جبلـی و پوراندخـت مهیمـن از جمله بازیگران بودنـد. در این فیلـم، ایرج طهماسـب، دنیا فنی‌زاده، حسـن پورشـیرازی و ماندانـا کریمی به عنوان عروسـک‌گردان حضور داشـتند. این‌بار گربه‌ها میـدان‌دار بودنـد و در کنار آدم‌ها قـرار گرفتند. داسـتان گربه آوازه‌خـوان پر بـود از نـکات عبرت‌آمـوز بـرای بچه‌هـا؛ مسـائلی ماننـد حفـظ حرمت‌ها، آداب دوستی و …

نوع پرداخت به‌رغم نکات آموزشـی فراوان، حرف‌های فیلم گربه آوازه‌خوان در قالب یک داستان سرگرم‌کننده بیان می‌شد. فیلم سرشار از موسیقی شاد بود و هنوز ترانه‌های آن توسط بچه‌های آن نسل زمزمه می‌شود: قد و قواره‌ام رو نبین، لباس پاره‌ام رو نبین، سرم بلنده تو سرا، آبرو دارم به خدا.

میزان موفقیت گربه آوازه‌خوان در زمان اکران با استقبال مواجه شد و هنوز اثری ممتاز است.

بازی بزرگان | ۱۳۶۹

موضوع کلی مخاطب بازی بزرگان کودکان و نوجوانان هستند، اما برای مخاطب بزرگسال هم نکته دارد.

فضای فیلم داستان بازی بزرگان در دل جنگ می‌گذرد؛ جایی در شهری مرزی. اهالی شهر محل زندگی را ترک می‌کنند و فقط یک دختر هفت‌سـاله، یک نوزاد چندماهه و یک پسر ۱۱ سـاله باقی مانده‌اند. آنها می‌خواهند نوزاد را نجات دهند؛ بی‌آنکه از عراقی‌ها هراس داشته باشند.

نوع پرداخت بازی بزرگان را می‌توان از سـخت‌ترین فیلم‌های پرتوی دانست. به این دلیل که فضایی خشن به نام جنگ دارد و او باید در دل این موقعیت، راوی داستانی انسانی باشد. او داستان را جذاب روایت می‌کند و حتی در لحظاتی نفس مخاطب بند می‌آید! در نهایت هم این مفهوم را در ذهن بچه‌ها می‌کارد که انسانیت مقدم بر همه‌چیز اسـت. مهربانی سـرباز عراقی در پایان فیلم شـاید مهم‌ترین درس فیلم برای بچه‌هاست.

میزان موفقیت فیلم فروش بالایی نداشت، اما همچنان اثری باطراوت است.

کافه‌ترانزیت | ۱۳۸۳

موضوع کلی کافه‌ترانزیت موضوعی اجتماعی دارد.

فضای فیلم پرتوی بعد از فیلم ننه‌لالا و فرزندانش، پنج سال فیلم نساخته بود. او در دوران جدید کارگردانی تغییری محسوس در رویه‌اش ایجاد کرد و از فضای کودکان و نوجوانان به‌کلی فاصله گرفت. پرتوی در کافه‌ترانزیت سراغ زنی (فرشته صدرعرفایی) می‌رود که همسرش را از دست داده و برای گذران زندگی مجبور است در قهوه‌خانه همسر در کنار جاده در نزدیکی ماکو کار کند.

نوع پرداخت کافه‌ترانزیـت روایتـی از چالش‌های زنان بعد از مرگ همسـران اسـت. بااین‌حـال به دام سانتیمانتالیسم نمی‌افتد و همین نقطه اتکای فیلم است. کافه‌ترانزیت درعین‌حال قصه‌اش را جذاب روایت می‌کند. شخصیت‌پردازی به همراه فضاسازی قوی، از دیگر امتیازات فیلم است.

میزان موفقیت کافه‌ترانزیت در جشنواره فجر با استقبال مواجه شد. فیلم در هشت رشته نامزد بود و در نهایت سـیمرغ بهترین فیلمنامه (کامبوزیا پرتوی) و بهترین بازیگـر نقش اول زن (فرشـته صدرعرفایی) و جایزه اول بین‌المذاهب را از آن خود کرد.

کامیون | ۱۳۹۶

موضوع کلی آخرین فیلم پرتوی موضوعی اجتماعی دارد.

فضای فیلم داستان درباره راننده کامیونی (سعید آقاخانی) است که یک خانواده از کردستان عراق را به ایران می‌آورد تا پدر خود را در تهران پیدا کنند.

نوع پرداخت کامیون فیلمی جاده‌ای است که از غرب کشـور شـروع می‌شـود و در پایتخت ادامه می‌یابـد. آنچـه فیلـم را واجـد جذابیت کـرده، داسـتان سـرگرم‌کننده است. پرتـوی می‌دانـد چگونه قصه‌هایـش را روایت کند کـه در عیـن سـادگی، همراهی‌برانگیز باشـد. امتیـاز دیگر فیلم بـازی خوب سـعید آقاخانـی اسـت. علاوه‌بـر اینهـا، کامیـون روایتـی دیگـر از تناقض‌هـای رفتـاری و فرهنگـی در شهری به نام تهران است.

میزان موفقیت فیلم کامیون هنوز اکران عمومی نشـده. این فیلم سه سـال پیش در سی‌وششمین جشنواره فجر، سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه را دریافت کرد. در هشت رشته دیگر هم نامزد دریافت سیمرغ بود. در زمان اکران فیلم در جشنواره، برخی منتقدان و رسانه‌ها از آن تمجید کردند.

فیلمنامه‌های موفق

من ترانه پانزده سال دارم | ۱۳۸۰

چه کسی ساخت رسول صدرعاملی

موضوع کلی فیلم درباره مسائل و چالش‌های دخترهایی است که از نوجوانی به جوانی گذر کرده‌اند.

فضای فیلم رسول صدرعاملی به همراه کامبوزیا پرتوی فیلمنامه «من ترانه پانزده سال دارم» را نوشتند. داستان آن درباره دختری به نام ترانه (ترانه علیدوستی) است که شرایط خانوادگی مساعدی ندارد. مادرش فوت کرده و پدرش در زندان است. او از دوست خود باردار می‌شود، اما حاضر به سقط جنین نیست. من ترانه پانزده سال دارم یکی از جسورترین فیلمنامه‌های پرتوی است که صدرعاملی آن را به خوبی تصویر کرد. این فیلم، هم مخاطب را سرگرم می‌کند و هم به او هشدار می‌دهد. این اتفاق در لایه زیرین رقم می‌خورد و گل‌درشت نیست. توجه به ظرافت‌های داستانی و شخصیت‌پردازی باعث شده من ترانه پانزده سال دارم همچنان اثری تاثیرگذار باشد.

میزان موفقیت در کنار جوایز متعدد داخلی و خارجی فیلم، کامبوزیا پرتوی هم از جشـنواره فجر سیمرغ بلورین بهترین فیلمنامه را به‌خاطر من ترانه پانزده سال دارم گرفت.

شب | ۱۳۸۶

چه کسی ساخت رسول صدرعاملی

موضوع کلی شب فیلمی درباره زیارت امام رضا (ع) است.

فضای فیلم بعد از من ترانه پانزده سـال دارم، کامبوزیا پرتوی با فیلم دیگر رسول صدرعاملی؛ یعنی دیشب باباتو دیدم آیدا همکاری داشت. این فیلم هم به مسائل نوجوان‌ها می‌پرداخت. در ادامه صدرعاملی سه‌گانه‌ای دیگر را ساخت که این‌بار موضوع آن زیارت امام رضا (ع) بود. پرتوی فیلمنامه شب و هر شب تنهایی را نوشت. شب داستان سربازی (امین حیایی) است که باید یک مجرم (عزت‌الله انتظامی) را به یکی از شـهرها ببرد و تحویل دهد. برف می‌آید و جاده‌ها بسته می‌شود. آنها مجبور به ماندن در شهر مشهد می‌شوند و از اینجا به بعد پای شـخصیت دیگری (خسرو شکیبایی) وسط می‌آید.

میزان موفقیت شب یکی از موفق‌ترین فیلم‌هایی اسـت که با موضوع زیارت امام رضا (ع) ساخته شده است. امین حیایی برای این فیلم سیمرغ گرفت و همزمان شب، مورد توجه مخاطبان و طیفی از منتقدان قرار گرفت. توجه به جزئیات و نمایش باورپذیر سیر تحول آدم‌ها از مهم‌ترین امتیازهای شب است.

خیابان‌های آرام | ۱۳۸۹

چه کسی ساخت کمال تبریزی

موضوع کلی خیابان‌های آرام فیلمی کمدی – سیاسی است.

فضای فیلم بعد از اتفاق‌های سال ۸۸، کامبوزیا پرتوی فیلمنامه‌ای نوشت و حوادث اجتماعی را از زاویه‌ای جدید بررسی کرد. داستان خیابان‌های آرام یادآور اتفاق‌های واقعی ایران است، اما در کشوری دیگر روایت می‌شود. ماجرای فیلم داستان چند دیوانه است که از آسایشگاه فرار کرده و شـهر را به‌هم ریخته‌اند. همه این اتفاق‌ها به زبان کمدی روایت می‌شود. خیابان‌های آرام نشان داد کامبوزیا پرتوی چه تبحری در کمدی‌نویسی و شوخی‌های ناب دارد.

میزان موفقیت خیابان‌های آرام فقط یک‌بار در جشنواره فجر اکران شد و مورد استقبال برخی از منتقدان و اهالی رسانه قرار گرفت. فیلم تا آسـتانه اکران عمومی هم پیش رفت، اما رنگ پرده ندید. اول گفته می‌شد کارگردان با زمان اکران؛ یعنی بهمن ۹۰ مخالف بـوده، بعدا کمال تبریزی تهیه‌کننده را مقصر دانسـت که تصمیمش برای نمایش خیابان‌های آرام جدی نیست. در نهایت معلوم شد نهادی بیرون از وزارت ارشاد گفته به صلاح نیست فیلم اکران شود.

محمد رسول‌الله(ص) | ۱۳۹۳

چه کسی ساخت مجید مجیدی

موضوع کلی محمد رسول‌الله (ص) فیلمی تاریخی - مذهبی است که کودکی پیامبر اسلام را روایت می‌کند.

فضای فیلم مجید مجیدی برای نگارش فیلمنامه محمد رسول‌الله (ص) از کامبوزیا پرتوی و حمید امجد دعوت به همکاری کرد. داستان فیلم او از سـال ۱۰بعثت و زمانی که مسلمانان در تحریم اقتصادی هسـتند شروع می‌شود. در فلش‌بک، سال عام‌الفیل و تولد پیامبر و دوران کودکی ایشان را شـاهدیم و در نهایت فیلم با اولین سفر پیامبر به شام و رسیدن به صومعه بحیرا به پایان می‌رسد.

میزان موفقیت درباره کیفیت فیلم محمد رسول‌الله (ص) نظرها متفاوت است. درباره فیلمنامه‌اش گفته می‌شود ایراد جایی اسـت که به خوبی از خرده‌پیرنگ‌ها بهره نگرفته. عدم دراماتیزه شدن داستان‌هایی که در کتاب‌های درسی خوانده‌ایم، دیگر ایرادی است که به فیلمنامه وارد شـده. بااین‌حال نمی‌توان جسارت نویسندگان برای نزدیک شدن به زندگی پیامبر را نادیده گرفت. ضمن اینکه خیلی از مخاطبان لب به تحسین فیلم گشودند. محمد رسول‌الله (ص) با فروش ۱۵ میلیارد تومانی پرفروش‌ترین فیلم سال شد.

فراری | ۱۳۹۵

چه کسی ساخت علیرضا داوودنژاد

موضوع کلی فراری درباره آمال و بلندپروازی برخی نوجوان‌هاست.

فضای فیلم گلنار (ترلان پروانه) از شهرستان به پایتخت می‌آید تا با ماشین فراری ۸ میلیاردی عکس یادگاری بگیرد. او در این مسیر با آدم‌هایی آشنا می‌شود و آرام‌آرام پی می‌برد پایتخت هیولایی بیش نیست! البته گلنار دست از بلندپروازی برنمی‌دارد و بازی‌اش را تا آخر و به قیمت از دست دادن جان خود ادامه می‌دهد. فیلم فراری یکی دیگر از دغدغه‌های کامبوزیا پرتوی درباره جوان‌هاست. این‌بار تضاد تربیتی و واقعیت‌های جامعه محور داستان او شد.

میزان موفقیت کامبوزیا پرتوی برای فیلمنامه فراری سیمرغ بلورین جشنواره سی‌وپنجم فجر را گرفت. این فیلم سیمرغ بلورین ویژه هیأت داوران و سیمرغ بهترین بازیگر (محسن تنابنده) را هم به دست آورد. فراری به‌رغم ویژگی‌های مثبت در اکران عمومی ناکام بود. برخی منتقدان آن را اثری موفق می‌دانند و برخی عقیده دارند فیلم لکنت دارد. بااین‌حال شخصیت‌پردازی و روند داستان باعث شده فراری یکی از بهترین فیلمنامه‌های زنده‌یاد کامبوزیا پرتوی باشد.

مکمل پرونده

درخشش مقابل دوربین آقای کارگردان

درباره چهار بازیگر که در فیلم‌های کامبوزیا پرتوی عملکردی چشمگیر داشتند و بازی‌شان در حافظه سینمادوستان ثبت شده است

در میان هشت فیلمی که کامبوزیا پرتوی کارگردانی کرد، بازی چهار بازیگر بیش از دیگران در حافظه‌ها مانده است. بااین‌حال نباید از یاد برد که فیلم‌های دیگر او دارای بازی‌های درخشانی بود. اینکه فقط به چهار مورد اشاره شده، به دلیل نام آشنا بودن بازیگران است وگرنه در فیلم‌های ماهی، گربه آوازه‌خوان و بازی بزرگان شاهد بازی‌های جذابی هستیم. وقتی کار پرتوی بیش از پیش واجد تحسین می‌شود که بدانیم در این فیلم‌ها غالبا با نابازیگر و بچه‌ها سـروکار داشته است. اوج هنر او در فیلم بازی بزرگان نمود می‌یابد که از سه کودک و نوجوان بازی گرفته. بازی‌ها آنقدر طبیعی هستند که وسط یک فیلم پربرخورد و پر از صحنه‌های جنگی، به دل می‌نشـینند. نکته دیگر اینکه از شانس پرتوی فیلمنامه‌های او که توسط دیگران ساخته شدند هم توأم با بازی‌های درخشان است. حتی امین حیایی سیمرغ فیلم شب را با فیلمنامه او گرفت. همینطور ترانه علیدوستی برای من ترانه پانزده سال دارم به سیمرغ رسید.

فرشته صدرعرفایی | کافه‌ترانزیت پیش از کافه‌ترانزیت بازیگری نام‌آشنا برای پیگیران سینما بود. مخاطبان عام اما هنوز او را به خوبی نمی‌شناختند. فرشته صدرعرفایی از سوی کامبوزیا پرتوی برای نقش ریحان انتخاب شد. او نقش زنی را بازی کرد که همسرش فوت شده و برادر همسر (ناصر با بازی پرویز پرستویی) دل در گرو عشق او دارد. ریحان در رستوران بین‌راهی همسرش کار می‌کند؛ زنی تنها در میان جماعتی مردانه. ناصر مخالف است، اما ریحان فارغ از جنسیت می‌خواهد چراغ رستوران همسرش را روشن نگه دارد. بازی خویشتندارانه صدرعرفایی تحسین خاص و عام را به دنبال داشت. او که پیش از این به‌خاطر بادکنک سفید نامزد جایزه نقش دوم جشنواره فجر شده بود، برای کافه‌ترانزیت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر زن را گرفت؛ در بیست‌وسومین جشنواره فجر. صدرعرفایی یک سال بعد برای این فیلم برنده تندیس زرین بهترین بازیگر زن در نهمین جشن خانه سینما شد. کافه‌ترانزیت باعث شد توانایی‌های صدرعرفایی بیش از پیش به چشم بیاید و شهرتش فراگیر شود. نقش ریحان همچنان در کارنامه او یگانه است؛ به یاد بیاوریم شیوه صحبت کردن، نگاه‌های خویشتندارانه و عزمی جدی که در پس چهره او بود.

پرویز پرستویی | کافه‌ترانزیت پرویز پرستویی زمانی در کافه‌ترانزیت بازی کرد که تازه از مارمولک فارغ شده بود. بااین‌حال کامبوزیا پرتوی می‌دانست چگونه بازیگر را در فضای فیلم جدید قرار دهد. پرستویی هم بازیگر باهوشی است و اگر شرایط برایش فراهم باشد، بیشترین بازدهی را دارد. او در کافه‌ترانزیت نقش ناصر را بازی کرد؛ همان مردی که بعد از مرگ برادرش تصمیم گرفت اختیار همسر او را در دست بگیرد. ریحان (فرشته صدرعرفایی) اما حاضر نمی‌شـود زیر چتر او برود و از ازدواج ممانعت دارد. آنچه بازی پرویز پرستویی را باورپذیر و واجد تحسین کرده، نمایش ملموس و باورپذیر از شخصیت ناصر است. رفتار و گفتار او به‌گونه‌ای است که گویی یکی از همان مردان منطقه ماکو است. این اشراف به نقش، هم به تجربه پرستویی برمی‌گردد و هم اطلاعات کامل پرتوی از منطقه جغرافیایی و خلق‌وخوی مردمان آن. پرتوی روی کاغذ توانسته بود شخصیت را ترسیم کند و مقابل دوربین همان مردی را می‌خواست که در ذهن داشت. حاصلش شد ناصر فیلم کافه‌ترانزیت؛ مردی با تعصب فراوان و درعین‌حال رفتارهای تهاجمی. ناصر اگرچه در کارنامه پرستویی زیر سایه دیگر نقش‌ها قرار دارد، اما جزو نقش‌های خوب اوست.

سعید آقاخانی | کامیون فیلم کامیون نخستین‌بار در جشنواره سی‌وششم فجر رونمایی شد. طیفی از منتقدان و مخاطبان آن را دوست داشتند و در نهایت سیمرغ بهترین فیلمنامه را به دست آورد. بازیگر اصلی‌اش سعید آقاخانی است و نیکی کریمی به همراه رامین راستاد و شایسـته ایرانی هم در آن بازی کرده‌اند. امتیاز فیلم به بازی آقاخانی مربوط است که با لهجه کردی جلوی دوربین حاضر شده و بازی جذابی را ارائه کرده است. او برای این نقش در جشنواره سی‌وششم فجر نامزد دریافت سیمرغ هم شد. آقاخانی که اصالتا کُرد است، به خوبی توانست مختصات کاراکتر را در بازی‌اش ارائه دهد. او را ابتدا مردی ناسازگار می‌یابیم، اما هرچه داستان جلوتر می‌رود، پی به مهربانی و «غیرت»اش می‌بریم. کامبوزیا پرتوی و سعید آقاخانی اشراف کامل به فرهنگ مردم کرد دارند و به همین خاطر نتیجه کامیون جذاب و باورپذیر است. آقاخانی آن‌قدر موفق عمل کرده که بعد از گذشت چند لحظه، فراموش می‌کنیم او یک بازیگر است و گمان می‌کنیم با یک شخصیت واقعی مواجه هستیم. افسوس که فیلم اکران عمومی نشد و در زمان حیات پرتوی مورد قضاوت مخاطب گسترده سینما قرار نگرفت. قصه کامیون کشش کافی برای همراهی مخاطب را دارد و بازی تحسین‌شده سعید آقاخانی بر این جذابیت افزوده است.

غزل شاکری | گلنار فرشته طائرپور، تهیه‌کننده فیلم‌های ماهی و گلنار کامبوزیا پرتوی بود. این همکاری زمینه حضور دختر طائرپور؛ یعنی غزل شاکری در این دو فیلم را مهیا کرد. شاکری در ماهی نقشی کوتاه بازی کرد، اما در گلنار ایفاگر نقش اصلی بود. خودش در گفت‌وگویی ماجرا را این‌گونه روایت کرده است: «آقای پرتوی سر یکی، دو پروژه با خانم طائرپور، مادرم همکاری داشت. در یک بخشی از فیلم ماهی هم برای آقای پرتوی بازی کردم. من از همان ابتدا که ایشان فیلمنامه گلنار را می‌نوشت در کنارش بودم و بعد از آن متوجه شدم من را برای نقش گلنار انتخاب کرده است. در ابتدا خانواده چندان موافق نبودند، اما به‌هرحال ماجرا طوری پیش رفت که من تبدیل به گلنار قصه شدم.» غزل شاکری خیلی زود تبدیل به قهرمان محبوب بچه‌های دهه ۶۰ شد. آن ترانه‌ها و بالا و پایین پریدن‌ها در جنگل‌های سرسبز شمال، از شاکری شمایل یک کودک دوست‌داشتنی ساخت. شاکری قریحه و استعداد بازیگری داشت و با هدایت کامبوزیا پرتوی حرکاتش را جلوی دوربین تنظیم می‌کرد.

کامبوزیا پرتوی در زمینه سینمای کودک ۸ اثر خلق کرده که به‌جز دو فیلم «شیرک» و «علی و دنی» که فقط فیلمنامه آنها را نوشته، در مابقی آثار به نام‌های «ماهی»، «بازی بزرگان»، «گلنار»، «گربه آوازه‌خوان»، «افسانه دو خواهر» و «ننه‌لالا و فرزندانش» علاوه‌بر نگارش فیلمنامه، کارگردانی هم کرده است.

08

کامبوزیا پرتوی نخستین فیلمش را سال ۱۳۶۶ جلوی دوربین برد و ۳۰ سال بعد؛ یعنی سال ۱۳۹۶ هم آخرین ساخته‌اش با نام «کامیون» را کارگردانی کرد. او در حدفاصل این ۳۰ سال ۹ فیلم ساخت که البته یکی از این ۹ فیلم را به شکل مشترک همراه با جعفر پناهی ساخت.

30

کارگردان تازه‌درگذشته سینمای ایران علاوه‌بر کارگردانی و فیلمنامه‌نویسی، در کارنامه‌اش تجربه بازیگری هم دیده می‌شود. او در فیلم «پرده» که به اتفاق جعفر پناهی آن را کارگردانی کرد، به عنوان بازیگر هم حضور دارد. پرتوی نقش اصلی این فیلم است. او بعد از آن بازیگری را ادامه نداد.

01

کامبوزیا پرتوی در یکی از سخت‌ترین دوره‌های جشنواره فیلم فجر جزو هیأت داوران بود. او در جشنواره بیست‌ویکم فیلم فجر در حالی عضو هیأت داوران شد که در آن سال قوانین جشنواره تغییراتی اساسی کرده بود. حذف رشته بهترین بازیگر مکمل مرد و زن، تجمیع جوایز فیلمبرداری، تدوین، موسیقی، صداگذاری، صدابرداری در قالب یک رشته به عنوان دستاورد فنی از جمله تغییرات این دوره بود.

21

فیلم «ماهی» شروع محکمی برای کامبوزیا پرتوی بود. این فیلم در جشنواره فیلم کودک و نوجوان دو پروانه زرین در رشته کارگردانی و فیلم گرفت و از سه جشنواره مهم بین‌المللی جیفونی ایتالیا، آدلاید استرالیا و برلین موفق به کسب جایزه شد که در دو جشنواره اول عنوان بهترین فیلم را از آن خود کرد.

03

مکمل گزارش یک

مردی از جنس بلور

نکاتی درباره کارنامه زنده‌یاد کامبوزیا پرتوی از رکورد‌داری در تصاحب سیمرغ تا همکاری دوگانه با تلویزیون

جوایز

کامبوزیا پرتوی جزو کارگردان‌ها و فیلمنامه‌نویس‌های به‌اصطلاح جایزه‌بگیر است که معمولا آثارش در جشنواره‌های داخلی و جهانی جوایزی را به خودشان اختصاص می‌دادند. او چهار سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر دارد که همگی آنها را در رشته فیلمنامه‌نویسی از آن خود کرده است. «من ترانه ۱۵ سال دارم»، «کافه‌ترانزیت»، «فراری» و «کامیون» فیلمنامه‌هایی هستند که پرتوی را به سیمرغ بلورین رساندند. او البته برای فیلمنامه «کافه‌ترانزیت» و «قطعه ناتمام» موفق شد تندیس خانه سینما را هم تصاحب کند. پرتوی در عرصه بین‌المللی هم جوایز مهمی را از آن خودش کرد. مهم‌ترین جایزه خارجی او خرس نقره‌ای جشنواره برلین است که آن را برای نگارش فیلمنامه «پرده» به او اهدا کردند. جشنواره جهانی مار دل پلاتا دیگر جشنواره معتبر جهانی است که مرحوم پرتوی با حضور در آن موفق شد تا یکی از جوایز مهمش را از آن خود کند. او جایزه بهترین کارگردانی را برای فیلم «کافه‌ترانزیت» از این جشنواره گرفت. او از جشنواره‌های جیفونی، داکا و آدلاید استرالیا هم جوایزی را به دست آورده است.

تنوع در ژانر

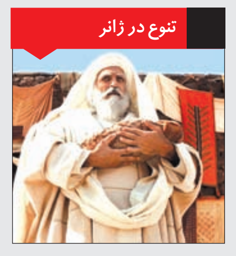

همکاری کامبوزیا پرتوی با کارگردانان سرشناس موجب شد تا آثار او در مقام فیلمنامه‌نویس تنوع ژانری منحصربه‌فردی داشته باشند. او از سینمای مذهبی تا کمدی سیاه اجتماعی برای کارگردانان مختلف فیلمنامه نوشته است. در عرصه سینمای مذهبی- تاریخی شاخص‌ترین کارش، فیلمنامه «محمد رسول‌الله (ص)» اسـت که برای مجید مجیدی نوشت. او در زمینه سـینمای اجتماعی با درونمایه مذهبی هم فیلمنامه‌های «شب» و «هرشب تنهایی» را در کارنامه‌اش دارد. اما درام‌های اجتماعی زنده‌یاد پرتوی جلوه‌گری بیشتری در کارنامه او داشتند. از درام «من ترانه ۱۵ سال دارم» تا «فراری»، به کارگردانی علیرضا داوودنژاد. اما شهرت این فیلمنامه نویس –کارگردان فقید با نگارش و ساخت فیلم‌های کودک رقم خورد. «گلنار» و «گربه آوازه‌خوان» معروف‌ترین و محبوب‌ترین کارهای او در حوزه کودک هستند. «ماهی»، «ننه‌لالا و فرزندانش» هم دیگر کارهای پرتوی در این عرصه هستند که همگی آنها را خودش کارگردانی کرده است. او در زمینه سینمای کودک فیلمنامه «علی و دنی» و «شیرک» را هم برای دیگران نوشته است. در عرصه سینمای کمدی هم تنها اثر او فیلم توقیفی «خیابان‌های آرام» است.

بیشترین همکاری

پرتوی در مقام فیلمنامه‌نویس با کارگردانان مطرح زیادی کار کرده؛ از داریوش مهرجویی و جعفر پناهی بگیرید تا مجید مجیدی و کمال تبریزی. اما در این بین بیشترین همکاری مشترک را با رسول صدرعاملی داشته است. او فیلمنامه چهار فیلم این کارگردان را به نگارش درآورده که مهم‌ترینشان و البته موفق‌ترینشان فیلم «من ترانه ۱۵ سال دارم» است. این فیلم درواقع نخستین همکاری مشترک این دو نفر است. بعد از این فیلم پرتوی فیلمنامه «دیشـب باباتو دیدم آیدا» را بر اساس قصه‌ای از مرجان شیرمحمدی برای صدرعاملی نوشت. دو همکاری بعدی پرتوی و صدرعاملی هم در فیلم‌های «شب» و «هرشب تنهایی» اتفاق افتاد؛ فیلم‌هایی با موضوع زائران امام رضا (ع). پرتویی فیلمنامه این اثر را بر اسـاس طرحی از اصغر فرهادی به نگارش درآورد. زنده‌یاد پرتوی بعد از صدرعاملی بیشترین همکاری را با جعفر پناهی داشت. او فیلمنامه «دایره» و «پرده» را برای پناهی نوشت و در کارگردانی فیلم دوم هم مشارکت داشت. پرتوی یک همکاری مشترک هم با عباس کیارستمی داشت، آنها به اتفاق فیلمنامه «ایستگاه متروک» را برای علیرضا رئیسیان نوشتند.

آثار تلویزیونی

کامبوزیا پرتوی همکاری چندانی با تلویزیون نداشت. او در همان اوایل کارش چند فیلم مستند و کوتاه داستانی برای تلویزیون ساخت، اما مهم‌ترین همکاری‌اش با این رسانه به عنوان فیلمنامه‌نویس با نگارش فیلمنامه دو سریال رقم خورد. یکی حسابی دیده شد و دیگری آنچنان که باید به چشم نیامد. پرتوی در سـال ۱۳۷۰ فیلمنامه «گل پامچال» را برای گروه شاهد شبکه یک نوشت؛ فیلمنامه‌ای که توسط محمدعلی طالبی به تصویر درآمد و تبدیل به یکی از محبوب‌ترین سـریال‌های تلویزیون شد. پرتوی بعد از این سریال حدود ۱۰ سال از تلویزیون فاصله گرفت تا اینکه در سال ۱۳۸۰ به دعوت گروه کودک و نوجوان شبکه دو، قرار شد سریال «پلیس آسمانی» را به اتفاق همسر اولش، فرشته صدرعرفایی بسـازد. او به عنوان فیلمنامه‌نویس و مشاور کارگردان این سریال عروسکی –زنده را به کارگردانی صدرعرفایی به سرانجام رساند. «پلیس آسمانی» برای نخستین‌بار در سال ۱۳۸۱ صبح‌های جمعه و به شکل هفتگی روی آنتن شبکه دو رفت و موفقیت نسبی هم به دست آورد.

کارهای دیده‌نشده

کامبوزیا پرتوی به عنوان فیلمنامه‌نویس و البته کارگردان در کنار کارهای شـاخص و برجسـته‌اش، چندین اثر قدرنادیده و البته دیده‌نشده دارد. یکی از مهم‌ترین کارهای مظلوم واقع‌شده پرتوی، فیلم «ننه‌لالا و فرزندانش» است. این فیلم او ساختاری کانونی داشت و به دلیل فضای بسیار متفاوتش نسبت به دو فیلم کودکانه قبلی‌اش؛ یعنی «گلنار» و «گربه آوازه‌خوان» به چشم نیامد؛ نه در جشنواره تحویلش گرفتند و نه اکران خوبی داشت. دیگر اثر هدررفته پرتوی فیلم توقیفی «خیابان‌های آرام» است. او با زیرکی هرچه تمام‌تر توانسته بود شمایی از اتفاقات ایران در سال ۱۳۸۸ را در فیلمنامه این فیلم روایت کند. اما خیابان‌های آرام بعد از اکران در جشنواره بیست‌ونهم به محاق توقیف رفت. «کامیون»، آخرین ساخته سینمایی این کارگردان فقید هم با وجود اینکه در جشنواره مورد توجه هیأت داوران قرار گرفت و دو جایزه ویژه هیأت داوران و فیلمنامه را از آن خودش کرد، اما در اکران مورد بی‌مهری قرار گرفت و فرصت نمایش پیدا نکرد. احتمال اکران آنلاین این فیلم وجود دارد.

بازخوانی

جذاب، قصه بگوییم

مروری بر نقطه‌نظرهای پرتوی درباره نویسندگی و برخی از مشهورترین ساخته‌های خود

آنچه می‌خوانید برش‌هایی است از گفت‌وگوهای کامبوزیا پرتوی درباره نویسندگی و نیز چگونگی خلق برخی فیلم‌ها و فیلمنامه‌هایش. این گفت‌وگوها به نقل از خبرگزاری‌های مهر و تسنیم و نیز نشست‌هایی است که او در چند رویداد هنری داشته. حیف است چند جمله از مصاحبه اخیر او را مرور نکنیم: «سینمایی که فیلم گاو را می‌سازد، فیلمی که مورد تأیید حضرت امام قرار می‌گیرد. حال با چنین فیلم‌هایی امروز به کجا رسیده‌ایم؟ آیا باز هم همان‌طور فکر می‌کنیم؟ کمال تبریزی چی بود، چی شد، از لیلی با من است و مارمولک رسیدیم به چه؟ نمی‌دانم چه‌کار باید بکنیم که دوباره به همان سینمایی که «گاو» می‌سازد بازگردیم.

چرا گلنار تکرار نشد؟

1

سعی کردیم نکاتی را در ساخت «گلنار» رعایت کنیم که برای نوجوانان جذاب باشد. خانواده مهم‌ترین عنصر این اثر بود و اهمیت بسیار آن را مطرح می‌کرد. اینکه چرا اثری مثل گلنار دیگر تولید نشـد را نمی‌دانم! شاید دیگر حمایت نبود، شاید دیگر فرصت را پیش نیاوردند. البته خود من بعد از گلنار سعی کردم دوباره به سمت‌وسوی تولید آثار کودک و نوجوان بروم، اما دیگر آن امنیت و حمایت نبود که بخواهم ادامه دهم. الان نمی‌توانم احساس امنیت کنم و نمی‌توانم به سمت سینمای کودک بروم. سـرمایه‌گذار، آن امنیت را نمی‌تواند داشته باشد. پشتوانه‌ای نیست که بخواهیم فیلم بسازیم. یک‌موقع در ساخت این آثار فعال شده بودیم چون پشتوانه داشت و حمایت پشتش بود. آن‌وقت همه با اعتماد کامل فیلم می‌ساختند. درحال‌حاضر هم اگر یک اثر پرمخاطب ساخته شود، از سازنده اثر حمایتی نخواهد شد. برای این سینما، تخصص نداریم و برایش خیلی کارها نکرده‌ایم.

رازهایی درباره خیابان‌های آرام

2

درحال‌حاضر روزبه‌روز در گوشه‌ای از دنیا جنگ و کشتار است و ۳۰ سال پیش فقط جنگ ایران و عراق بود. ازهمین‌رو هـر دوره‌ای فیلم‌های خاص خود را می‌طلبد. «گلنار» برآیند چنین شرایطی بود. قصه فیلم «خیابان‌های آرام» را از روی قصه «این شهر چقدر دیوانه دارد» از عزیز نسین نوشتم و برای آن سناریویی که در نهایت به فیلم خیابان‌های آرام منتهی شد، را با روایت‌های متفاوت ساختم. برای این فیلم، من روایتی برای طرح نوشتم که وقتی با کمال تبریزی خواندیم ترسناک بود که این قصه چگونه به فیلمنامه می‌رسد. بنابراین روایت دیگری را تدوین کردم. در فیلم «هر شب تنهایی» مجبور شدم از روایتی استفاده کنم که بازیگر (لیلا حاتمی) آن را دوست داشته باشد و خودم آن را دوست نداشتم، استدلال ما این بود که چون بازیگر این فرد بود و آقای صدرعاملی خواستار تغییر شدند، باید فیلمنامه تغییر می‌کرد.

فرصت ویژه فیلم محمد رسول‌الله (ص)

3

فیلم محمد رسول‌الله (ص) برایم یک فرصت بود وگرنه چه کسی این فرصت را دوباره به دست می‌آورد؟ برایم فرصتی بود تا یک دورانی درباره چیزی که به تاریخ خودم ارتباط دارد تحقیق کنم. دانشجو که بودم خیلی دلم می‌خواست راجع به آسیاب‌های بادی تحقیق کنم. به هر کسـی گفتم یک پولی بدهید تحقیق کنم، هیچ‌کس حاضر نشد. ولی الان فرصتی پیش آمد که بخواهم به یک مقطعی از تاریخ دینی جهان بپردازم و تاریخ صدر اسلام را بررسی کنم و چه چیزی بهتر از این. چون فقط با یک شخص و یک نفر و تهیه‌کننده و یک جمعیت اندک برخورد نداشتم، با دو میلیارد مسلمان و یک تاریخچه روبه‌رو بودم. گروه سازنده خودشان محققان متعددی داشتند و از مدارس قم هم کمک می‌گرفتند و من از این تحقیقات اسـتفاده می‌کردم، اما خودم هم تحقیقات دیگری را شروع کردم. جدای از این تحقیقات مسئولیت سنگین‌تری هم وجود داشت و آن پاسخ به این سوال بود که ما برای چه کسی و چرا فیلم می‌سازیم؟

راز و رمز نوشتن

4

مهم‌ترین بخش فیلمنامه روایت اسـت و از چند جهت ارزش دارد. ما در فیلمنامه هدفی داریم، اما باید روایتی تاثیرگذار نیز برای آن پیدا کنیم. باید روایتی در فیلمنامه وجود داشته باشد که جذابیت سرمایه‌گذاری هم داشته باشد و فیلم ساخته شـود. جذابیتی را برای روایت در نظر بگیریم که سرمایه‌گذار را جذب کند و پس از آن انتخاب روایتی است که قابل انتقال به کارگردان و در نهایت نیز تماشاگر باشد. حرف فیلمنامه‌نویس بر اساس یک روایت خوب از یک موسسه کوچک سینمایی ممکن است به سـینماهای جهان هم راه پیدا کند. فیلم «من ترانه پانزده سال دارم» مربوط به دوران نویسندگی است که آمدن چنین افرادی به سطح جامعه، ناهنجاری‌هایی را به وجود آورد و دختربچه‌ها قربانی تفریحات این قشر شدند. من حرفی برای این قربانیان داشـتم و برای گفتن این حرف بایـد روایتی را انتخاب می‌کردم که حرفم را باور کنند و به فکر چاره‌ای برای آن باشیم.